

نمادهای استبداد غیرمترکز

[عباس سلیمی نین]

[مجموعه در بوته نقد]

[کتاب چهاردهم]

سرشناسه	سلیمی نمین، عباس، ۱۳۳۳ -
عنوان و نام پدیدآور	نمادهای استبداد غیرمتمرکز/عباس سلیمی نمین.
مشخصات نشر	تهران: دفتر مطالعات و تدوین تاریخ ایران، ۱۴۰۲.
مشخصات ظاهری	۱۲۰ ص.
فروست	دفتر مطالعات و تدوین تاریخ ایران؛ ۱۴. مجموعه در یوته‌های نقد.
شابک	۹۷۸-۹۶۴-۹۵۸۸۰-۶-۳
وضعیت فهرست نویسی	فیبا
یادداشت	نمایه.
موضوع	مصدق، محمد، ۱۲۶۱ - ۱۳۴۵. -- نقد و تفسیر
موضوع	Mosaddeq, Mohammad -- Criticism and interpretation
موضوع	پان‌ایرانیسم
موضوع	Pan-Iranism
موضوع	ایران -- تاریخ -- پهلوی، ۱۳۲۰ - ۱۳۵۷ -- جناح‌های سیاسی
	Iran -- History -- Pahlavi, ۱۹۳۱ - ۱۹۷۸ -- Political wings
	ایران -- تاریخ -- پهلوی، ۱۳۲۰ - ۱۳۵۷ -- نقد و تفسیر
	Criticism and interpretation -- ۱۹۷۸ - ۱۹۳۱, Iran -- History -- Pahlavi
رده بندی کنگ	DSR۱۵۲۲/۳:
رده بندی دی	۹۵۵/۰۸۲۰۴۵۲:
شماره کتابشناسی ملی	۹۴۹۳۹۱۰۸:
اطلاعات رکورد کتابداسی فیبا	
تاریخ درخواست	۱۳۰۲/۱ - ۱۲۴:
کد پیگیری	۹۱.۲۵۹۰۰



نمادهای استبداد غیرمتمرکز

مؤلف	عباس سلیمی نمین
ناشر	دفتر مطالعات و تدوین تاریخ ایران
ویراستار	طیبه صالحی تجربی
صفحه‌آرا	عاطفه قدیری
چاپ اول	زمستان ۱۴۰۳
شمارگان	۳۰۰ نسخه
قیمت	۱۵۰ هزار تومان
شابک	۹۷۸-۹۶۴-۹۵۸۸۰-۶-۳
لیتوگرافی و چاپ :	

آدرس: تهران - جنت آباد جنوبی - چهارباغ شرقی، ۱۶ متری اول شمالی، کوچه ریاحی غربی، پلاک ۵۵، واحد ۱

تلفن: ۴۴۴۶۶۴۵۱-۴۴۴۶۶۴۵۰-۴۴۶۱۷۱۶۱۵

www.irhistory.ir

irhistory1381@gmail.com

فهرست

۷.....	دیباچه
۱۱.....	زندگی نامه نویسنده اثر
بخش اول - بررسی کتاب	
۱۵.....	سرآغاز
۱۷.....	«اخگر» هایی که جهیدند
۲۵.....	مکتب پان ایرانیسم
۳۱.....	چگونه پان ایرانیست شدم
۳۹.....	نخستین انشعاب چگونه رخ داد؟
۴۵.....	انشعاب دوم
۴۷.....	«حزب های سوپر ناسیونالیست»!! با پول شرکت نفت
۵۱.....	سی ام تیر ۳۱، و پان ایرانیست ها
۵۳.....	در دامی که برای مان گسترده بودند، افتادیم
۵۷.....	پیشنهاد یکی شدن، از سوی فروهر

کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲	۵۹
برخوردهای گوناگون پان‌ایرانیست‌ها با رژیم پس از کودتای ۲۸ مرداد	۶۱
داستان ترانه «مرا ببوس»	۶۳
نقش حزب توده از ۲۵ تا ۲۸ مرداد	۶۵
فاطمی و مرگ او	۶۹
۲۸ مرداد و نامردمی‌ها	۷۳
دادگاه شاه فرموده!!	۷۵
«کانون متری» و دیگر رویدادها	۷۹
پان‌ایرانیست‌های همکار با رژیم پیشین	۸۳
داستان «شدن بحرین»	۸۷
حزبی تازه به‌نام «ایرانیان»	۹۵
حزب فراگیر!!	۹۹
آوای شیپور انقلاب	۱۰۱
مردی از تیره‌ی بی‌میهنان!	۱۰۳
پان‌ایرانیست‌ها و بنی‌صدر	۱۰۷
پزشکپور، پس از انقلاب	۱۰۹
دکتر ضیاء مدرس، و شب‌نامه «پیروزی»	۱۱۳
به دکتر مدرس چه گذشت؟	۱۱۵
نوجوان «سربدار»	۱۱۷
پان‌ایرانیست‌های جانباخته	۱۱۹
«سازمان نظامی افسران توده‌ای»	۱۲۳
بخش دوم - نقد و نظر	
نقد و نظر دفتر مطالعات و تدوین تاریخ ایران	۱۳۱
فهرست اعلام	۱۶۳



[دیباجه]

دامن زدن به تمایلات ناسیونالیسمی با بر مانی درازمدت در عرصه سیاسی در چند قرن اخیر، علاوه بر زمینه‌سازی برای اروپاشی امپراتوری عثمانی به عنوان ابزار مؤثری در تغییر معادلات قدرت کاربرد داشته است. بر این اساس، منازعات قومی به بسیاری از کشورهایی که زمانی جایگاه تعیین کننده‌ای در سیاست جهانی داشتند و غرب سرمایه‌داری بدون تضعیف و خرد کردن آن‌ها، قلمروهای کوچکتر، فزونی طلبی خود را ممکن نمی‌دانست، تسری یافت. ناسیونالیسم تجربه شده در ایران کارکردهای متنوع‌تری داشته و صرفاً بستری برای نفوذ در مناطق مرزی با هدف راه‌اندازی جریانات تجزیه‌طلبانه نبوده است. برای نمونه، در دهه ۱۳۲۰، انگلیسی‌ها با بهره‌گیری از جاذبه‌های ظاهری ناسیونالیسم عمدتاً در تهران جوانان احساسی را در قالب تشکلهای راست‌گرای افراطی سازمان دادند. این گروه‌های کوچک که نقش میلیشیا (یا کارکرد سیاسی - نظامی) را ایفا می‌کردند از یک سو با نارنجک به منزل روزنامه‌نگاران حمله‌ور می‌شدند و از دیگر سو، تظاهرات اعتراض آمیز علیه سلطه انگلیس را به بهانه ضدیت با عوامل

وابسته به شوروی در ایران با سلاح سرد درهم می‌شکستند.

کارکردهای متنوع این هسته‌های کوچک سرکوبگر، نگرانی‌های لندن را در نبود افرادی چون رضاخان تا حدود زیادی برطرف می‌ساخت؛ به عبارت دیگر، دیکتاتوری غیر متمرکز، جایگزین ابزار کارآمدتر، اما ناممکن در این زمان شد. زیرا بعد از حضور نیروهای متفقین در ایران عملاً حفظ رضاخان در قدرت امکان پذیر نبود و خوف آن می‌رفت که آمریکا و شوروی از فضای ضد دیکتاتوری موجود در جامعه برای محاکمه این عنصر برکشیده لندن استفاده کنند. در چنین شرایطی، ابزار دیکتاتوری غیر متمرکز این دستاوردها را برای انگلیس داشت: ۱- مقابله با انبساط بی‌شوری شوروی در زمینه نفت در شرایطی که در چارچوب پیمان متفقین نیروهای ارتش به نفع در ایران حضور چشمگیر یافته بودند. ۲- سرکوب مبارزان ضدسلطه انگلیس. ۳- در خلاء دیکتاتوری رضاخان که این خدمت را به نحو اکمل به انجام می‌رساند. ۴- جلوگیری از شکل‌گیری نهادهای مدنی غیروابسته و مشارکت سالم مردم در امور سیاسی به ویژه در انتخابات (تا آن زمان سفارت لندن در تهران بر فهرست افرادی که باید به مجلس راه می‌یافتند نظارت می‌نمود) ۴- ایجاد فضای آشوب‌زده و ناامن سیاسی از طریق درگیری‌های هدایت شده خیابانی برای پذیرش اجتماعی یک دیکتاتور جدید با توجه به شیوه‌های مختلف از جمله کودتایی دیگر و ... این اهداف کلیدی، عوامل انگلیس را راز می‌داشت تا سرمایه‌گذاری قابل توجهی برای تشکیل گروه‌هایی برخوردار، وفادار، سرکوبگر نمایند. نکته قابل تأمل در این زمینه آن که هر یک از هسته‌های کم‌پتانسیل، به یکی از عوامل بومی و باسابقه وابسته به انگلیس متصل می‌شد؛ افرادی همچون تاج‌الملوک، هژیر، اشرف، برادران رشیدیان و ... که هر یک هدایت دسته‌ای از این جماعت بزن بهادر را برعهده داشتند. در این میان نقش خانم لمبتون به عنوان یک عامل اطلاعاتی برجسته انگلیس بسیار تعیین کننده بود. این جاسوسه همه فن حریف و دارای همه‌گونه ارتباط با عناصر تعیین کننده هر چند بسیار دیر هنگام توسط دکتر مصدق از ایران اخراج شد، اما تا زمان ترك ایران توانسته بود دستجاتی را سازمان دهد که یکی از اهدافشان ایجاد منازعات کاذب و حاکم کردن ناامنی و التهاب

برفضای سیاسی کشور بود. گروه‌هایی همچون: «جویندگان ایران»، «برنا»، «آرش (فداییان میهن)»، «کبود»، «باشگاه دوستان»، «میهن پرستان»، «انتقام»، «ناسیونالیست‌ها»، «پان ایرانیسم»، «سومکا»، «آریا» و... شاید به همین دلیل نیز در ابتدای شکل‌گیری مطالبات مردمی برای ملی شدن نفت، غربی‌ها تصور می‌کردند می‌توانند به سهولت احساسات وطن‌دوستانه را کنترل کنند و تمایلات برای صیانت از مصالح ملی را مهار سازند؛ به عبارت دیگر قدرت خارجی مسلط بر منابع نفتی ایران تصور می‌کرد می‌تواند به سادگی از ناسیونالیسم وارداتی برای مقابله با عرق ملی اصیل استفاده کند. هرچند تشکل‌هایی که قارچ‌گونه براساس ناسیونالیسم وارداتی پا به عرصه وجود گذاشتند به دلیل پیوند ملیون وطنی با نیروهای مذهبی تترانس سند، رابر فراگیر شدن نهضت ملی شدن صنعت نفت سد شوند، اما بدون تردید ملی گرایی را در ایران مخدوش ساختند.

نویسنده این اثر (پان ایرانیست ۱) به منظور تطهیر خود، صرفاً رهبری گروه را وابسته دانسته است و از ارتباط وی با انگل سر و دربار سخن می‌گوید: «لشکری گفت که ما آگاه شده‌ایم که پزشکپور و عادل (احمد رضا)... به گونه‌ای پنهانی، با میس لمبتن دیدارهایی داشته‌اند... محسن، پزشکپور در برخی شب‌ها به خانه‌ی سیدمهدی پیراسته که از سردمداران مخالف دکتر مصدق است، می‌رود و تا نیم شب‌ها در آن جاست و روشن نیست چه زد و بندهایی با او انجام می‌دهد... آگاه شدیم که محسن پزشکپور [به] وسیله شخصی به نام «... زاده» رئیس اداره آگاهی از بودجه محرمانه آن دستگاه پول می‌گیرد.» (ص ۴۴)

به اذعان صاحب اثر همین آقای پزشکپور در ملاقات با دکتر مصدق در تظاهر به اعلام وفاداری به وی و نهضت ملی شدن صنعت نفت از هیچ سخن سخاوتمندانه‌ای فروگذار نمی‌کند: «صدیقی می‌گوید هنگامی که به اطاق دکتر مصدق رسیدیم، پزشکپور مشت‌ی دروغ و ناروا سرهم کرد و از فداکاری‌های خود سخن‌ها گفت، به طوری که من در عین شگفتی شرمند شدم که چگونه می‌شود به مرد بزرگ و تیزهوشی چون مصدق تا این اندازه دروغ بگویند.» (ص ۵۶) متأسفانه برخی افراد و دستجات به ظاهر ملی، اما در باطن هدایت شده

توسط خانم لمبتون توانستند به دکتر مصدق نزدیک شوند و برخی دیگر از همین سنخ به آیت‌الله کاشانی. همین امر نیز موجب شد تا اختلاف - که بهترین زمینه را برای تحرکات دشمن فراهم می‌آورد - در میان رهبران نهضت بروز کند؛ لذا در همین ایام که داریوش فروهر از حزب پان ایرانیسم به نام طرفداری از دکتر مصدق به خانه آیت‌الله کاشانی حمله می‌کند (به این بهانه که در آنجا برخی سخنرانان علیه رئیس دولت سخن می‌گویند) خیابان‌ها هر روز صحنه درگیری‌های خونی است که براساس اسناد منتشر شده بعضاً با هدایت نیروهای بیگانه سازمان دهنده کودتا رخ می‌داد. آمریکا و انگلیس که در تحلیل‌های درون تشکیلاتی خود هرگز از نفوذ چپ در ایران نگران نبودند و اصولاً ملت ایران را در این زمینه دارای موضع دفاعی مستحکم در برابر مبنای مارکسیسم می‌دانستند با بزرگ‌نمایی قدرت سیاسی، بی‌پایان دخالت خود در ایران را موجه می‌ساختند.

دکتر مصدق هیچ‌گاه است هدفمندانه نگرانی آمریکا نسبت به موقعیت چپ در ایران را به عنوان یک تهدید برانگیز دتا به دولت وی کمک کنند توفیقی کسب نکرد؛ زیرا تصور نمی‌کرد مداخله تبلیغاتی غرب نسبت به موقعیت حزب توده در ایران با ارزیابی‌های محرمانه آن‌ها تفاوت فاحشی داشته باشد.

اکنون با گذشت بیش از هشت دهه از ۱۳۲۰، هنوز بسیاری از زوایای تاریخی این دهه پرفراز و نشیب ناگفته مانده است. به نظر می‌رسد خاطرات آقای ناصر انقطاع علی‌رغم پنهان‌کاری‌های بسیاری تبدیل به یک کتاب قابل توجهی به بازخوانی رخدادهای این ایام نماید. البته دهه‌ها عامل در این دهه که به ملی شدن صنعت نفت ختم شد، نقش‌آفرین بوده‌اند؛ لذا برای داشتن نگاهی فراگیر و جامع باید از زاویه‌های دیگر نیز این تحول سیاسی را مورد مطالعه قرار داد، به امید آن‌روز.

مدیر دفتر مطالعات و تدوین تاریخ ایران

عباس سلیمی‌نمین

اسفند ۱۴۰۱



[زندگی نامه نویسنده اثر]

ناصر انقطاع در تهران متولد شد و ده سالگی به رشت ابتدایی را در همین شهر سپری کرد. هنوز مقطع دبیرستان را به پایان نبرده بود که در سن ۱۴ سالگی همکاری اش را با هفته نامه کودکان «بویو» آغاز کرد. بعد از شهریور ۱۳۳۰ به دلیل داشتن روحیه ماجراجویی تحصیل را رها کرد و جذب گروه های پان ایرانیست شد و همزمان در برخی هفته نامه های جریانات وابسته به انگلیس طلبی به چاپ می رساند. با آغاز نهضت ملی شدن صنعت نفت، عمده وقت انقطاع به درگیری های فیزیکی بسیار خشونت بار می گذشت. وی بعد از کودتای ۲۸ مرداد برای طی مراحل رشد و ترقی در دستگاه پهلوی ناگزیر بود تحصیلات متوسطه را به پایان برساند و به اخذ مدرک تحصیلات عالی اقدام کند که چنین کرد و عاقبت در سال ۱۳۵۲ توانست لیسانس خود را از دانشکده علوم ارتباطات کسب نماید. در همین ایام مجله سپاهیان دانش را که خود تنها نویسنده آن به حساب می آمد منتشر می ساخت، اما بعدها برای جلب نظر دربار پهلوی، مطالب تند و توهین آمیز علیه مصدق در نشریات به ویژه هفته نامه «ایرانیان» (ارگان حزبی به همین نام)

که سردبیری آن را برعهده داشت، می‌نوشت. بعد از انحلال حزب ایرانیان، وی جذب حزب رستاخیز شد و در روزنامه ارگان این حزب قلم فرسایی می‌کرد. انقطاع با پیروزی انقلاب اسلامی تا سال ۱۳۵۹ در ایران با نشریات مختلف از جمله سپید و سیاه به همکاری پرداخت و در نهایت به دلیل نگرانی از عاقبت همکاری با یک گروه مخفی سلطنت طلب از ایران گریخت و از طریق پاکستان به اروپا و از آن جا به آمریکا رفت. در این کشور انقطاع همکاری با سازمان‌های یهودی ضدایرانی را آغاز کرد. سخنرانی‌های متعدد وی در کلوپ روتاری رنچوپارک که توسط صهیونیست‌ها اداره می‌شود یکی از نشانه‌های این نوع همکاری‌هاست. در همین سال‌ها در کنار فعالیت پنهان، گروهی را به نام «انجمن پاسداری از زبان و فرهنگ پارسی» شکل داد. وی در یک شبکه تصویری به نام تلویزیون ملی ایران (NITV) برنامه اجرا می‌کرد. شبکه‌های تصویری متعدد از قبیل NITV در آمریکا می‌کوشند با چند برنامه‌های بسیار تند علیه ایران از کمک‌های رسمی آمریکا بهره بیشتری ببرند. با سر انقطاع با اخذ پناهندگی از آمریکا سال‌ها در این کشور زندگی می‌کرد. ۱۴۰۰ خ. (یکم ژوئیه ۲۰۲۱) در لس‌آنجلس درگذشت.